

اسلامی بود. در شرایط جدید که در دنیای اسلام به وجود آمده بود، کارکرد دیگری برای این نوع مساجد در نظر گرفته شد و آن کارکرد تبلیغاتی بود و نام این مساجد به واسطه‌ی همین کارکرد به شاهی تغییر یافت، زیرا در شرایط موجود مسأله‌ی رقابت در سطح رهبری دو قطب مهم دنیای اسلام یعنی عثمانی و صفوی، این کارکرد را ایجاب می‌نمود. این مساجد به عنوان سمبلی از تدین و اسلام‌خواهی سازنده خویش در نزد مردم، علاوه بر نمایش عالی‌ترین جلوه‌های تزیینی و طراحی، شکوه و جلال سازنده‌ی خویش را نیز القاء می‌نمودند.

مذهبی جعفری که به تازگی به عنوان مذهب رسمی مطرح شده بود باید قدرت خویش را در ایجاد عناصر مهم و تعیین‌کننده‌ی جامعه‌ی آن روزگار به اثبات می‌رساند و به نوعی آن را در نهادهای مهم مانند مساجد شاهی به نمایش می‌گذاشت. مسجدجامع که در عصر خلفاء و تسلط مذهب تسنن شکل گرفته بود، باید به نوعی جای خویش را به مساجد دیگری که در این دوره می‌بایست بنا بر ضرورت‌های ذکر شده، ساخته می‌شد، می‌داد. در آن سوی مرزها نیز بازتاب این رقابت کاملاً مشهود بود. مساجد بزرگ ساخته شده در قلمرو عثمانی، اکثراً به نام پادشاهان عثمانی نامگذاری می‌شد. مانند مسجد سلیمانیه، مسجد سلطان یازید و مسجد سلیمیه در استانبول و...

مدرسه و عده طلبه‌های آن، جهت اقامه نماز، به مسجد اختصاص یافته و حتی در برخی مدارس بزرگ مانند چهارباغ، مدرسه‌ی صدر اصفهان و مدرسه‌ی سلطانیه (امام) در کاشان یک گنبدخانه نیز ساخته شد تا مراسم نماز جماعت در آنجا برگزار شود.^۶

مساجد از لحاظ ساختاری به انواع مختلف تقسیم می‌شوند که هر یک از آنها دارای عناصر خاص خود می‌باشند. در یک طبقه‌بندی می‌توان آنها را به مساجد سلطانی و غیرسلطانی تفکیک نمود.

مساجد سلطانی شامل مساجد جامع، شاهی و مساجدی است که دستور ساخت آن توسط شخص پادشاه و یا یکی از افراد بلندپایه‌ی دربار مانند ملکه و یا وزیر، صادر شده باشد. مساجد جامع معتبرترین مسجد شهر بوده‌اند که نماز جماعت تنها در آنها اقامه می‌شده است. این نوع مساجد بسیار با عظمت احداث می‌شدند، تا در ذهن بیننده اهمیت و وظایفشان را القاء نمایند. مساجد شاهی از نظر ساختاری، با حفظ ویژگی‌های مساجد جامع، در عصر صفوی ظهور نمودند. سازندگان این مساجد مرکز ثقل امور دینی را از مساجد جامع به این‌گونه مساجد منتقل کردند، تا آنان که نامشان با مسجد همراه بود نیز، در مرکز توجه عموم قرار گیرند.^۷ پس از ساخت این مساجد مرکز توجه جامعه به سوی آنها متمرکز گشت و مساجد جامع انحصار خویش را از دست دادند.^۸ این روند در دوره‌ی قاجار مورد استقبال قرار گرفته و ادامه یافت. یکی از مساجدی که در دوره‌ی قاجار بر این اساس احداث گردید، مسجد نبی (شاه) قزوین است.

طرح کلی این مسجد چهارایوانی است. این نوع طرح در اکثر مساجد جامع قرن پنجم به بعد، و به تبع آن مدارس و کاروانسراها اجرا شده است. سایر مساجد مهم دوره‌ی قاجار مانند مسجد امام تهران، مسجد امام بروجرد، مسجد امام زنجان، مسجد امام سمنان و مسجد شهید مطهری (سپهسالار) تهران، نیز در طرح چهارایوانی اجرا شده است. ایوان‌های شمالی و جنوبی مسجدالنبی رفیع‌تر و ایوان جنوبی مجلل‌تر از سایر ایوان‌ها هستند. به جهت اهمیتی که جبهه‌ی جنوبی، به خاطر واقع شدن محراب در آن داشته، همواره مورد توجه بوده و از ابتدا جهت تأکید این موضوع، تک ایوان مسجد در این جبهه اجرا می‌شد. پس از روی‌آوری معماران عصر سلجوقی به طرح چهارایوانی، اهمیت

مذهبی جعفری که به تازگی به عنوان مذهب رسمی مطرح شده بود باید قدرت خویش را در ایجاد عناصر مهم و تعیین‌کننده‌ی جامعه‌ی آن روزگار به اثبات می‌رساند و به نوعی آن را در نهادهای مهم مانند مساجد شاهی به نمایش می‌گذاشت. مسجدجامع که در عصر خلفاء و تسلط مذهب تسنن شکل گرفته بود، باید به نوعی جای خویش را به مساجد دیگری که در این دوره می‌بایست بنا بر ضرورت‌های ذکر شده، ساخته می‌شد، می‌داد. در آن سوی مرزها نیز بازتاب این رقابت کاملاً مشهود بود. مساجد بزرگ ساخته شده در قلمرو عثمانی، اکثراً به نام پادشاهان عثمانی نامگذاری می‌شد. مانند مسجد سلیمانیه، مسجد سلطان یازید و مسجد سلیمیه در استانبول و...

مساجد منفرد غیرسلطانی دارای کارکردی صرفاً عبادی بوده و مانند مساجد بزرگ جامع و شاهی از اهمیت سیاسی و تبلیغاتی برخوردار نیستند. اما در قرون نخستین اسلامی این مساجد تجلی‌گاه اختلافات طایفه‌ای و قبیله‌ای بودند.^۹ در این شرایط کارکرد این مساجد از محدوده‌ی عبادی فراتر رفته و جنبه‌ی اجتماعی به خود گرفت. این موضوع باعث ایجاد تفرقه و نفاق در میان جامعه‌ی مسلمین گشت.^{۱۰} این وضعیت دقیقاً نقطه‌ی مقابل کارکرد مساجد جامع و شاهی قرار داشت.

در مقابل این گروه از مساجد، گونه‌ای از مساجد مرکب با عنوان مسجد - مدرسه علاوه بر کارکرد مساجد منفرد، دارای کارکرد آموزشی نیز می‌باشند. در این حوزه مدرسه‌هایی وجود دارند که کارکرد آموزشی، یگانه کارکرد آنها بوده است، اما در عموم این مدرسه‌ها یک فضای کوچک متناسب با اهمیت

هنر و معماری قاجار

مساجد جامع قزوین

سعدی ملکی



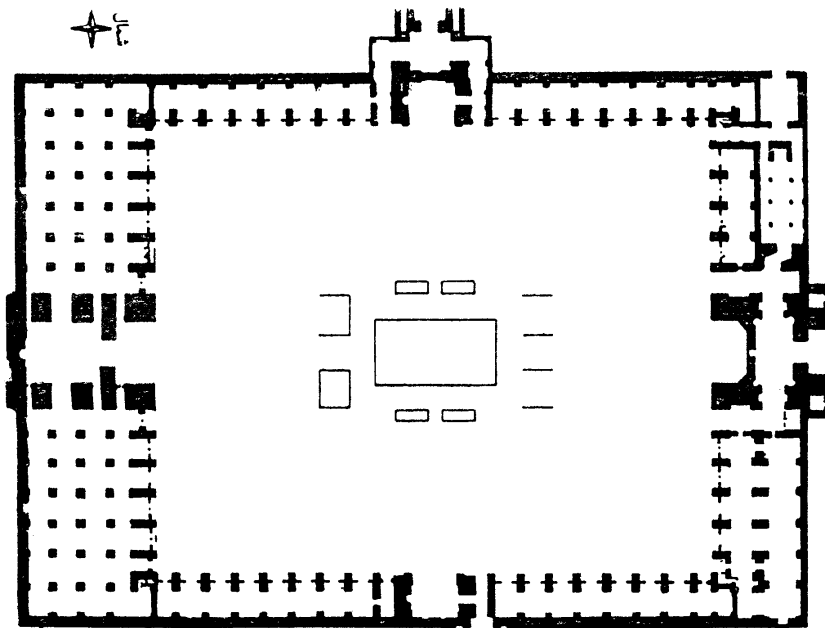
مساجد تا قرن چهارم فقط با نظر مساعد شخص خلیفه امکان پذیر بود، زیرا وجود مسجد جامع در هر آبادی موقعیت شهر شدن را برای آنجا به ارمغان می آورد.^۱ در واقع ساختار این نوع مساجد کاملاً تحت تأثیر کارکرد آنها قرار گرفته و متناسب با آن نضج می گرفت. این نوع مساجد همواره منشأ و خاستگاه ابداعات و نوآوری های معمارانه بودند و تجربیات مهمی که در تکامل مسجد به دست آمد، به همراه بهترین تحقیقات، در مساجد جامع به کار رفته است.^۲ در واقع مساجد جامع، به دلیل ایجاد نیاز باعث تغییر و تحول در ساختار مساجد اولیه و دگرگون شدن و سادگی آنها گشته و زمینه را جهت مطرح شدن عناصر تزئینی و ساختاری معماری ایرانی فراهم نموده و علاوه بر آن عناصر جدیدی مانند مقصوره را مطرح نمودند.

در دوره صفوی گروه جدیدی از مساجد سلطانی، با عنوان مساجد شاهی با اهدافی جدید پا به عرصه وجود نهاد. در پیدایش مساجد شاهی، شرایط سیاسی موجود در دنیای اسلام بسیار مهم بوده است. بعد از چندین دهه که از برچیده شدن دستگاه خلافت سپری شد، دو قدرت عمده در جهان اسلام پدیدار گشت، که هر یک با داعیه رهبری جهان اسلام در پی آن بود تا خلافت را در قالبی دیگر احیاء نماید. امپراتوری عثمانی با محوریت مذهب تسنن و صفوی با اتکاء بر مذهب جعفری در پی رسیدن به این مهم از هیچ اقدامی فروگذار نمی کردند. در شرایط جدید به وجود آمده، هر یک از دو قطب مذکور می بایست جهت ادامه حیات و تقویت خویش برای غلبه بر دیگری، وحدت جامعه خویش را حفظ کرده و بر انسجام آن همت می گماردند. پادشاه در این دوره به عنوان محور این اتحاد، نقش پیامبر و خلفاء را برعهده داشت. مذهب جعفری که به صورت جدی در جامعه ایران مطرح گشته بود، نیاز به ساز و کارهای جدید و متفاوت با گذشته داشت. بدین سبب علاوه بر دگرگونی سایر بنیادهای مذهبی و اجتماعی با ساخت مساجد جدید با هویتی متفاوت با مساجد جامع سابق، سعی نمود تا مکانی را که در وحدت جامعه نقش اساسی را برعهده داشت، دارای ماهیتی متناسب با شرایط به وجود آمده، احداث نماید.

در زمان خلفا تمامی مساجد ساخته شده با نام جامع شناخته می شد، و هدف اصلی و کارکرد عمده آنها، عینیت بخشیدن وحدت، در جامعه

هر سازه ای دارای هویت های جداگانه ای کارکردی و ساختاری است. بدین معنی که جهت برآوردن نیازهای خاص، می باید اثری خلق گردد که واجد ساختاری متناسب با اهداف از پیش تعیین شده باشد. بررسی مسجد از دیدگاه کارکردی، بدان جهت که عبادت محوری ترین فعالیت فردی و اجتماعی هر فرد مسلمان محسوب می گردد و به همان نسبت می تواند تأثیرات تعیین کننده ای بر ساختار کلی سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی جامعه داشته باشد، بسیار مهم و اساسی است. حال اگر کارکردهای جانبی مسجد مانند آموزش، سیاست و قضاوت راه، که از صدر اسلام مورد تأکید بوده به آن بیفزاییم، به راستی می توان حرکت و حیات جامعه ای اسلامی را در مسجد خلاصه نمود.

در رهنمودهای دینی مسأله ای وحدت و همبستگی مسلمانان از آن رو که استمرار حیات جامعه ای اسلامی بدون آن غیرممکن می نماید، بسیار مورد توجه بوده و هست. پیامبر در اقدامات اولیه خویش مسأله ای ایجاد پیوند برادری مابین مهاجر و انصار را مورد اهتمام قرار داد. در قرآن کریم به صراحت بر مسلمانان امر شده که به ریسمان خداوند چنگ زنی و متفرق نشوید. در صدر اسلام وحدت به عنوان اساسی ترین راهکار جهت حفظ و تعالی چنین جامعه ای الزامی به نظر می رسید. جهت رسیدن به این مهم، پیامبر (ص) و خلفاء پس از ایشان، به عنوان محور و مساجد، مکانی جهت ایجاد پیوند از طریق سخنرانی، راهنمایی و گفت و گو مابین مسلمانان با رهبر که محوریت جامعه را عهده دار بود، نقش حیاتی را ایفا می نمودند. با گسترش دامنه جوامع اسلامی، متناسب با وسعت اجتماعات گوناگون، مساجد نیز باید گسترش می یافت، تا بتواند پاسخگوی این روند روزافزون باشد. در این بین نماز جمعه به عنوان نماد عینی همبستگی و وحدت در جامعه اسلامی مورد تأکید و توجه خاص قرار گرفت. هرچه بر گسترش دامنه اجتماعات اسلامی افزوده می گشت، نماز جمعه از اهمیت بیشتری برخوردار می شد، زیرا تمامی افراد جامعه می بایست تحت تأثیر منشأ واحدی قرار گیرند تا اصل اتحاد حفظ گردد و این مقدور نبود مگر آنکه تمامی افراد یک شهر، ولو به غایت بزرگ، در مکانی واحد جمع شوند. جهت تأمین این هدف مساجد جامع تأسیس گردید که به لحاظ وظایف بسیار مهم از اهمیت ویژه ای برخوردار شدند. ساخت این نوع



۱۷۴) مسجد النبی قزوین: نقشه (کیانی، ۱۳۷۴)

یکی از مسایل مهم در تحلیل معماری مسجد النبی، عدم ایجاد تناسب بین صحن و رواق‌های پیرامون آن است. با توجه به وسعت صحن و ارتفاع ایوان‌ها، احداث رواق‌های یک اشکوبه، نمی‌تواند در نمای کلی مسجد تناسب لازم را ایجاد نماید

موقعیت مکانی مسجد النبی در زمان احداث با توجه به گسترش شهر به طور دقیق مشخص نیست، ولی با در نظر گرفتن موقعیت آن نسبت به دروازه‌های قدیمی شهر،^{۱۳} که در زمان قاجار معمور بوده‌اند، در مرکز شهر قرار داشته است. در گذشته مساجد جامع هسته‌ی مرکزی شهر را تشکیل می‌دادند و شهرها به گونه‌ای گسترش می‌یافته تا مرکزیت آنها حفظ گردد. پس از پدیدار شدن مساجد شاهی، مرکزیت شهر از مساجد جامع به این نوع مساجد منتقل گشت. به هر حال جهت تغییر مرکزیت مساجد جامع که قرن‌ها مورد توجه خاص بوده، صرف احداث مسجدی بزرگ‌تر و یا مجلل‌تر از آن، برای این نقل و انتقال کفایت نمی‌کرد، زیرا مساجد جامع در نزد مردم دارای ارزش معنوی خاصی بودند و تغییر این جهت از مساجد جامع به مساجد شاهی که نمادی از قدرت حاکم محسوب می‌شدند، نیاز به عنصری حیاتی داشت تا بتواند انگیزه‌های لازم را جهت برآوردن این هدف تأمین نماید. نقش تجار و کسبه در تأمین مایحتاج مردم همواره نقشی حیاتی بوده و هست. به گونه‌ای که این قشر در عرصه‌های مختلف سیاسی و دینی حضوری برجسته داشته و به صورت جدی در این زمینه‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. این موضوع در نزد سازندگان مساجد شاهی کاملاً مشخص بود. بدین سبب جهت برآورده شدن اهداف خویش، بازار را که نبض اقتصاد جامعه را در دست داشت، در پیرامون این مساجد گسترش دادند، تا مطمئن شوند نظر مردم بدین سوی جلب می‌گردد. از آغاز ساخت مساجد شاهی که از دوره‌ی صفوی شروع شد، این سیاست مورد توجه بوده است.^{۱۴} در مساجد دیگر عصر قاجار مانند امام تهران و امام زنجان نیز این موضوع قابل مشاهده است.

مساجد غیرسلطانی به مسجد - مقبره، مسجد - مدرسه و مسجد - محله قابل تفکیک می‌باشند.

مسجد - مقبره

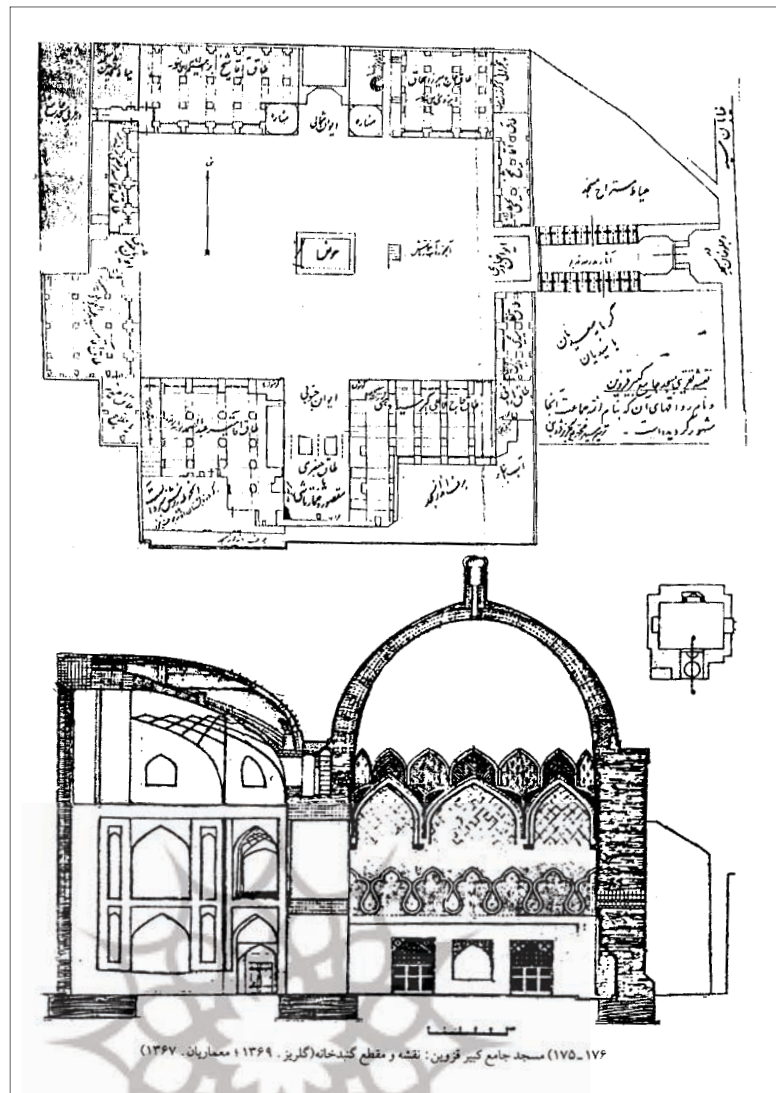
مساجدی که در کنار مقبره با ساختاری واحد، ساخته می‌شوند. در قزوین از این نوع مساجد، مسجد - مقبره‌ی زبیده خاتون و مسجد - مقبره‌ی شهید ثالث را می‌توان نام برد. مسجد - مقبره‌ی زبیده خاتون، به علت نوسازی کامل مقبره در سال‌های اخیر، بافت اصلی خود را از دست داده و چگونگی ارتباط مسجد با مقبره از نظر تقدم و تأخر زمانی قابل بررسی نیست. بافت اصلی مسجد - مقبره‌ی شهید ثالث با وجود تعمیراتی که در آن انجام گرفته، خوشبختانه تا حد

صورتی احترام‌آمیز باشد.^{۱۵} در دوره‌ی صفویه، ورودی مسجد امام اصفهان، وجود پیشینه‌ی این نوع طرح در معماری ایران را، لافل از دوره‌ی صفوی حتمی می‌نماید.

یکی از عناصر مورد تأکید در معماری اسلامی مناره است که علاوه بر عظمت بخشیدن به کل بنا، بر کارکرد مذهبی مکانی که در آن قرار گرفته، تأکید دارد. در بررسی سیر تحول مناره در عصر قاجار، باید آن را به دوره‌ی فتحعلیشاه و دوره‌ی بعد از وی تقسیم نمود. تمامی مساجد شاهی ساخته شده در زمان فتحعلیشاه مانند امام تهران،^{۱۶} امام سمنان، امام زنجان، امام بروجرد و مسجد النبی قزوین که حدود هشتاد درصد کل مساجد بزرگ شاهی دوره‌ی قاجار را تشکیل می‌دهند، بدون مناره احداث گردیده‌اند. در دوره ناصرالدین شاه ساخت مناره دوباره متداول گردید. در این دوره گونه‌ای از مناره پا به عرصه‌ی وجود نهاد که دارای کاربردی کاملاً تزئینی بود (مناره‌های امامزاده حسین قزوین) علت عدم ساخت مناره در عصر فتحعلیشاه به درستی مشخص نیست، ولی چون به عنوان یک سنت در دوره‌های بعد ادامه نیافته و منحصر به یک دوره‌ی خاص می‌باشد، شاید نظر شخص پادشاه در این مورد را بتوان مورد بررسی قرار داد. فتحعلیشاه فردی بسیار معتقد به اصول مذهبی بود و با لافل چنین تظاهر می‌نمود. روایات و احادیث به جای مانده از پیشوایان دینی بر منع ساخت مناره در مسجد تأکید نموده است.^{۱۷}

یکی از مسایل مهم در تحلیل معماری مسجد النبی، عدم ایجاد تناسب بین صحن و رواق‌های پیرامون آن است. با توجه به وسعت صحن^{۱۸} و ارتفاع ایوان‌ها، احداث رواق‌های یک اشکوبه، نمی‌تواند در نمای کلی مسجد تناسب لازم را ایجاد نماید به گونه‌ای که پس از ورودی به صحن مسجد، عدم تناسب بین ایوان‌ها، صحن و رواق‌های پیرامون آن، بلافاصله خودنمایی می‌کند. رواق‌های پیرامون صحن تمامی مساجد شاهی، ساخته شده در دوره‌ی فتحعلیشاه به صورت یک اشکوبه احداث شده، اما مساجدی مانند نبی قزوین و امام تهران که از وسعت بیشتری نسبت به سایر مساجد شاهی این دوره برخوردارند، عدم تناسب بین عناصر یاد شده را برجسته‌تر نشان می‌دهند. در عصر ناصرالدین شاه این مسئله تا حد زیادی با احداث رواق‌های دو اشکوبه در مسجد شهیدمطهری (سپهسالار) حل شده است. در دوره‌های پیشین، به خصوص صفوی و سلجوقی اصل ایجاد تناسب در حد امکان رعایت شده است.

مساجد جامع، به دلیل ایجاد نیاز باعث تغییر و تحول در ساختار مساجد اولیه و دگرگون شدن سادگی آنها گشته و زمینه را جهت مطرح شدن عناصر تزئینی و ساختاری معماری ایرانی فراهم نموده و علاوه بر آن عناصر جدیدی مانند مقصوره را مطرح نمودند



(۱۷۶-۱۷۵) مسجد جامع کیر قزوین: نقشه و مقطع گنبدخانه (کلرین، ۱۳۶۹، معماریان، ۱۳۶۷)

معماری عصر قاجار است^۱ و در دوره‌های قبلی مشاهده نمی‌شود. علت اجرای چنین طرحی، تا حدودی به موقعیت مکانی مسجد در بافت شهر ارتباط پیدا می‌کند. در پیرامون اکثر مساجد شاهی دوره‌ی قاجار مانند امام تهران و امام زنجان، بافت تجاری قرار دارد. ورودی‌های متعدد امکان دسترسی آسان‌تر مسجد را از فضای تجاری پیرامون امکان‌پذیر ساخته و علاوه بر آن می‌تواند به عنوان یک تقاطع، ارتباط بین بخش‌های مختلف بازار را که از پرآمد و شدترین اماکن شهری می‌باشند برقرار نماید. موقعیت بنا در بافت شهری به عنوان یک علت فراگیر و قطعی نمی‌تواند مطرح شود زیرا برخی از مساجد شاهی دوره‌ی قاجار نیز که در بافت تجاری قرار ندارند با همین طرح اجرا شده‌اند. وسعت زیاد مساجد این دوره، تا حدی در این امر دخالت داشته است، زیرا با افزایش وسعت مسجد سهولت دسترسی به آن نیز باید مدنظر قرار می‌گرفته، که ورودی‌های متعدد از جبهه‌های مختلف طرح مناسبی جهت پاسخگویی به این مسأله بوده است. مهم‌تر از همه کارکرد تبلیغاتی این نوع مساجد است که در این طرح بیشتر از هر چیز دیگری دخالت داشته، بدین معنی که ورودی‌های متعدد، با توجه به اصرار سازنده در انعکاس عظمت خویش در ساختار بنا، کمک قابل توجهی در عظمت بخشیدن بنا و القاء اهمیت آن کرده و بر نقش این نوع مساجد که بر اهداف تبلیغاتی استوار است تأکید می‌ورزند. ورودی‌های مسجد به صورت غیرمستقیم اجرا شده‌اند. این نوع طرح در دوره‌ی قاجار بسیار متداول بوده و علاوه بر مساجد شاهی در اکثر بناهای مذهبی و غیرمذهبی مهم اجرا شده، و حتی ورودی برخی از مساجد دوره‌های پیشین که در عهد قاجار دستکاری شده مانند مسجد جامع قزوین، به این صورت تغییر یافته است. یکی از علل طراحی این نوع فضای ورودی، احتمالاً بدان جهت بوده که شخص به سرعت وارد بنا نشود، بلکه ورود او به تدریج و به

این جبهه با افزودن بر ارتفاع و سطح تزئینات ایوان جنوبی، نسبت به سایر ایوان‌ها، مشخص می‌شود. در دوره‌های بعد نیز این روند همچنان ادامه داشته است. در مسجد امام تهران و مسجد و مدرسه‌ی شهید مطهری، که به ترتیب در زمان فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه ساخته شده‌اند این اصل مورد توجه خاص قرار گرفته است.

ویژگی دیگر مسجدالتبی و وسعت آن است. این مسجد از اکثر مساجد شاهی دوره‌ی قاجار مانند مسجد امام زنجان و امام بروجرذ، از وسعت بیشتری برخوردار است. به طور کلی در دوره‌ی قاجار، بر وسعت مساجد تأکید شده و در مقایسه با دوره‌های پیشین، از وسعت بیشتری برخوردار هستند. دلیل این امر را در چند مورد می‌توان بیان نمود. در دوره‌ی قاجار بر وسعت شهرها به تبع آن جمعیت آنها افزوده شد و به همان نسبت می‌باید به وسعت مساجد شاهی، که عملکرد مساجد جامع را برعهده داشتند افزوده می‌گردید. جهت اثبات این موضوع نیاز به آمار دقیق از تعداد جمعیت در شهرهای دارای مساجد شاهی دوره‌ی قاجار و پیش از آن می‌باشد، که با توجه به عدم وجود چنین مدرکی، این موضوع صرفاً در حد طرح یک مسأله قابل ارایه است. مسأله‌ی دیگر به کارکرد تبلیغاتی مساجد شاهی بازمی‌گردد، مساجد شاهی بازتابی از عظمت و شکوه سازنده‌ی خویش بودند و می‌بایست به نوعی این مهم را در ساختار خویش پدیدار نمایند. در دوره‌ی صفوی این اصل با تأکید بر تنوع تزئینات مساجد و ساختن مجموعه‌های بزرگ مانند میدان نقش جهان، عینیت یافته است. در دوره‌ی قاجار این روند با تغییر موضوع به افزودن بر وسعت بنا مبدل شده و با همان اهداف به مرحله‌ی اجرا درآمده است.

ورودی‌های سه‌گانه اصلی مسجدالتبی، بلااستثناء در تمامی مساجد شاهی، دوره‌ی قاجار مورد توجه بوده است. این نوع طرح از ویژگی‌های

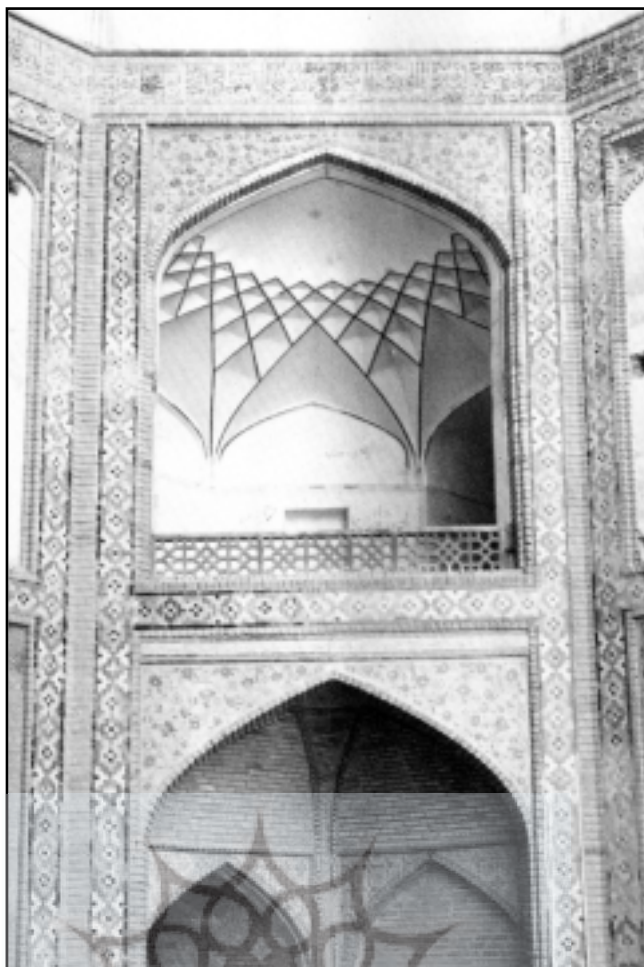
غرب در معماری این دوره نفوذ نموده و آن را دچار دگرگونی کرده و از مسیر اصلی خویش منحرف ساخته، بسیار دور از ذهن است.

معماری عصر قاجار در دو دوره‌ی فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه خلاصه می‌شود. این دو دوره در ارتباط با یکدیگر و با وجود نقاط مشترک، وجوه تمایزی را نیز نشان می‌دهند. در دوره‌ی فتحعلیشاه به افزایش ساخت و سازها، به خصوص در زمینه ابنیه‌ی مذهبی توجه گردیده، به گونه‌ای که چهار مسجد از پنج مسجد بزرگ شاهی عصر قاجار در این دوره ساخته شده در حالی که در عهد ناصری به جای این موضوع به تزئین بخش‌های مختلف بنا توجه شده است. در این دوره ساخت مناره پس از چند دهه توقف، دوباره آغاز می‌گردد.

همان‌گونه که دوره‌های مختلف پیش از قاجار، به دلیل شکل‌گیری برخی از عناصر معماری و یا تکمیل آنها، در تاریخ معماری ایران از جایگاه

خاصی برخوردار هستند و بدان سبب شناخته می‌شوند، مانند احیاء طرح چهار ایوانی و تکمیل آن در دوره‌ی سلجوقی، در عصر قاجار نیز معماری ایران با شاخص‌های برجسته‌ای مواجه است که می‌تواند در شناخت جایگاه این دوره در تاریخ معماری ایران کمک شایانی نماید. سیر تحول و تکامل ساخت و ساز مساجد شاهی به عنوان جایگزین مساجد جامع پس از آغاز آن در عصر صفوی، در دوره‌ی قاجار به طور کامل قابل بررسی است. در این زمینه، معماری قاجار با بیشترین نمونه‌ها، از موقعیت منحصر به فردی برخوردار است. تزئینات کاشی‌کاری این دوره، بیانگر آن است که سیر نزولی استفاده از کاشی معرق که در دوره‌ی صفوی با ابداع کاشی هفت رنگ آغاز گشته بود، در این دوره به اوج خود رسید و به جای آن استفاده از کاشی هفت رنگ از رونق خاصی برخوردار گشت. بدین سبب کاشی‌کاری هفت رنگ در دوره قاجار، با توجه به تنوع بسیار طرح‌ها و رنگ‌های آن در این دوره، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و جایگاه ویژه‌ای دارد. دوره‌ی قاجار عصر پرداختن به گسترش فضا در معماری است و ما تجلی آن را در ساخت تعدادی از بزرگ‌ترین مساجد ایران در این دوره شاهد هستیم (مسجد نبی قزوین و امام تهران). ساخت مناره در دوره‌ی قاجار، پس از توقفی کوتاه در عصر فتحعلیشاه، دوباره در دوره‌ی ناصری آغاز گشته و با ساخت نمونه‌های منحصر به فرد آن (مناره‌های مجموعه امامزاده حسین قزوین)، شکل کاملاً تزئین مناره را به نمایش می‌گذارد. ورودی‌های سه‌گانه‌ی اصلی، از دیگر مشخصه‌های این دوره محسوب می‌شود. این ویژگی پیش از دوره قاجار مشاهده نمی‌گردد.

عواملی نیز در فرآیند شکل‌گیری معماری قاجار تأثیرگذار بوده‌اند و شاید بهتر بود تا در ابتدا به آنها اشاره می‌شد، اما به دلیل پرهیز از ایجاد هرگونه پیش‌زمینه‌ی ذهنی که امکان تأثیرگذاری مثبت یا منفی را به دنبال داشته باشد، در این فرصت که تا حدودی در مورد معماری قاجار آگاهی حاصل گردیده، بیان می‌شوند.



ماهر و وقت زیادی نیاز دارد، هزینه‌ی اجرایی بالایی را طلب می‌کرده و این مسأله که در ارتباط نزدیکی با میزان توانایی مالی سفارش‌دهنده‌ی اثر دارد، شاید بهترین دلیل این مسأله باشد. محدودیت‌های مالی سفارش‌دهندگان این مساجد که از افراد خیر یا مردم محل بوده‌اند، امکان خلق یک اثر هنری را غیرممکن ساخته است.

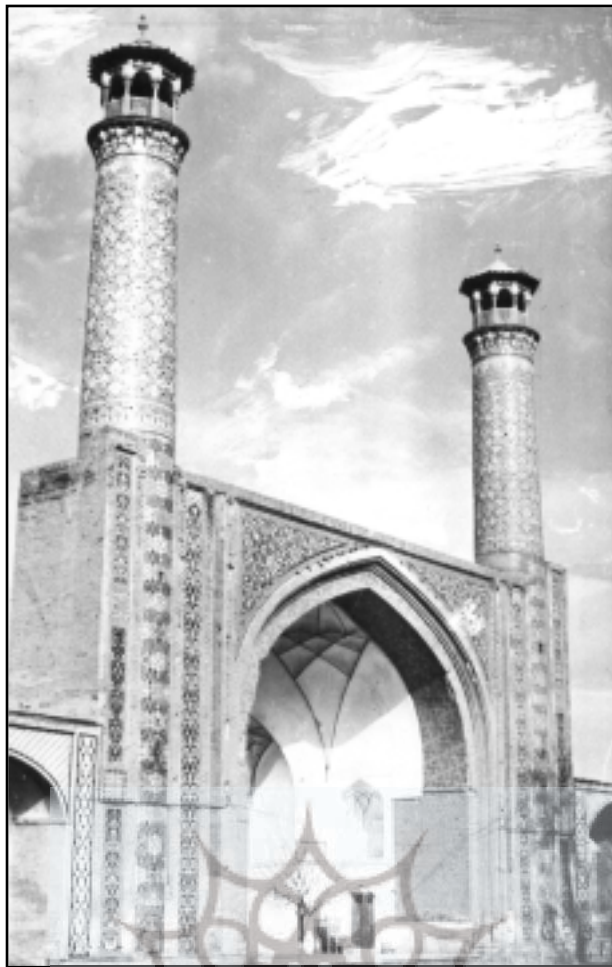
مسأله‌ی دیگر در خصوص معماری قاجار، مبحث تزئینات آن است، که به دو دوره‌ی از ابتدای قاجار تا فتحعلیشاه و بعد از این دوره تا پایان قاجار قابل تفکیک و بررسی است. در دوره‌ی نخست نقش تزئینات و همچنین تنوع آن کاهش یافت. در این دوره تزئینات بیشتر بر گنبد، ورودی‌ها و ایوان‌ها متمرکز گشت. سایر بخش‌ها، به خصوص فضای داخلی گنبدخانه و شبستان‌ها به صورت موردی، آن هم در حد نگاشتن یک کتیبه و یا

کاشی‌کاری‌های محراب، تزئین شده‌اند (مسجدالنبی قزوین و مسجد امام زنجان). در این دوره بیشترین حجم تزئینات مساجد را کاشی‌کاری به خود اختصاص داده که از کاشی‌های هفت‌رنگ، موزاییک و در پوشش گنبد از کاشی خشتی (نره) جهت این منظور استفاده شده. از گچبری صرفاً در ایجاد مقرنس‌های بخش ورودی (مسجدالنبی) استفاده شده است.^{۱۸} به طور کلی هنر گچبری در این دوره آن‌چنان مورد توجه نبوده. این موضوع در سایر مساجد شاهی عصر فتحعلیشاه نیز مشاهده می‌شود و علاوه بر آن، در دوره‌های بعد نیز قابل پیگیری است (مسجد شهید مطهری تهران). از تلفیق کاشی بر زمینه‌ی آجر به خصوص در نگاشتن کتیبه‌های کوفی بنایی، کمال بهره‌برداری به عمل آمده است. این موضوع در تمامی مساجد شاهی عصر فتحعلیشاه قابل بررسی است. در کتیبه‌نگاری از خطوط ثالث، کوفی بنایی و در کتیبه‌ی درگاه ورودی اصلی که نام سازنده‌ی بنا نگاشته شده از خط نستعلیق استفاده شده و در تزئینات آجرکاری مورد توجه قرار نگرفته است.

بعد از عصر فتحعلیشاه، عمده‌ی فعالیت‌های معماری در دوره‌ی ناصرالدین شاه انجام گرفته است. در این دوره، کماکان ویژگی‌های تزئینات عصر فتحعلیشاه حفظ گردیده، با این تفاوت که بخش‌های بیشتری از بنا را تحت پوشش قرار داده است (مسجد شهید مطهری).

در دوره‌ی قاجار ابنیه‌ی زیادی، به خصوص در بخش تزئینات دستکاری شده و متأسفانه در این امر رعایت امانت نشده و تعمیرات انجام گرفته دقیقاً مطابق با اصل صورت نگرفته است. (کاشیکاری ایوان شمالی مسجدجامع قزوین).^{۱۹}

آنچه به عنوان نفوذ هنر غرب در قالب طرح نقش انسان در کاشی‌کاری دوره‌ی ناصری و نقش گلدان با گل‌های مختلف از عصر فتحعلیشاه و یا تعبیه‌ی ساعت در برخی ابنیه مانند مسجد امام تهران، مطرح می‌شود،^{۲۰} قابل تأمل است، اما این موضوع که تظاهر چند نمونه که آن هم می‌تواند نتیجه‌ی سلیقه‌ی شخصی سازنده و یا معمار باشد، در رسیدن ما به این نتیجه که هنر



مسجد - محله

مسجدی با حوزه‌ی کارکردی محدود، که فقط یک محله را پوشش می‌دهد. این نوع مساجد بهترین زمینه جهت مطالعه‌ی ویژگی‌های معماری بومی و منطقه‌ای می‌باشند. متأسفانه این‌گونه مساجد به دلیل آنکه با مصالح مرغوب ساخته نشده‌اند، با فرسایش شدید همراه بودند، همین امر باعث شد تا در دهه‌های اخیر که نظارت چندانی بر اماکن تاریخی اعمال نمی‌شد، توسط افراد خیر این‌گونه مساجد تخریب و با مصالح جدید احداث شوند. بسیاری از مساجدی هم که در معرض این‌گونه بازسازی‌ها قرار نگرفته‌اند با تغییراتی که به تناسب سلیقه‌ی متولیان در آنها اعمال شده، بافت اصلی خویش را از دست داده‌اند، به گونه‌ای که مطالعه‌ی چگونگی وضعیت اصلی آنها بسیار مشکل می‌باشد. در قزوین مساجد محمدیه، سبز، شیخ‌الاسلام، راه‌چمان، حاج ملاآقا، ملامهدی، احمدیگ و خواجه شهدا در این گروه قابل بررسی می‌باشند. این گروه از مساجد تماماً از

یک طرح پیروی کرده‌اند. این مطلب بیانگر آن است، که در اجرای این نوع مساجد در منطقه الگوی واحدی اعمال می‌شده است. طرح کلی تمام آنها عبارت از شبستان مستطیل شکل با ستون‌هایی از جنس سنگ تیشه‌ای با پوشش طاق و نوزبه است. ویژگی دیگری که در مورد اکثر آنها صدق می‌کند راه ارتباطی بین مسجد با تمامی معابر عمومی همجوار می‌باشد. فضای پیرامون آنها، عموماً از بافت مسکونی تشکیل شده است. از دیگر مشخصه‌های مشترک آنها می‌توان به وجود یک حیاط حوض‌دار در تمامی این مساجد که از یک جبهه ارتباط آنها با برخی از معابر پیرامون را امکان‌پذیر می‌سازد ذکر کرد. از خصوصیات مشترک این نوع مساجد که تقریباً با اندکی تفاوت در بین تمامی آنها عمومیت دارد، سادگی و بی‌پیرایگی آنهاست. از حداقل تزیینات در حد تزئین حاشیه‌ی نوزبه‌ها با یک ردیف کاشی لعاب‌دار خشتی و تزیین برخی از لچکی‌های بخش ورودی و نگاشتن کتیبه در برخی مساجد استفاده شده است.

نکته‌ی قابل توجهی که در این مساجد وجود دارد این است که هیچ‌کدام از آنها جایگاه خاصی برای ادای فرایض دینی زنان^{۱۷} ندارند. با عنایت به این مطلب که در ساخت این مساجد به علت محدودیت‌های مالی، عدم وجود سازه‌ای مشخص در بافت مسجد جهت زنان قابل توجه است، به این نکته باید اشاره نمود که با توجه به این مطلب که مسجد به عنوان مهم‌ترین مرکز حضور فرد مسلمان در اجتماع بوده، موضوع ذکر شده می‌تواند میزان حضور زنان در جامعه‌ی عصر قاجار را منعکس نماید.

آن‌چه مسلم است و در بخش مساجد سلطانی نیز قابل مشاهده می‌باشد، در دوره‌ی قاجار کمیت بر کیفیت ترجیح داده شده است. همین مطلب منجر به کاهش دقت هنری و پرداختن به اصل رفع نیاز در حد ایجاد سازه‌ای بی‌پیرایه گشته است. وضعیت ظاهری این مساجد این استنباط را می‌رساند که معمار در اجرای آنها قصد خلق یک اثر هنری را نداشته و فقط به احداث و اتمام بنا می‌اندیشیده است. از آن جایی که انجام یک کار هنری به استاد

زیادی حفظ شده است. تناسب و تشابه بافت معماری مسجد با مقبره و همچنین میزان یکنواخت فرسودگی مصالح ساختمانی در هر دو سازه، بیانگر همزمانی تاریخ احداث بنا می‌باشد.

مسجد - مدرسه

مساجدی که فضای آنها در ترکیب با فضای مدرسه ساخته می‌شوند و خود دو نوع هستند. اول: مسجد - مدرسه‌ای که تنها راه ورودی مسجد از طریق صحن مدرسه امکان‌پذیر است، از جمله مسجد - مدرسه سردار قزوین. مسجد - مدرسه‌ای که در آن، مسجد علاوه بر صحن مدرسه از طریق معابر عمومی همجوار نیز قابل دسترسی است. مانند مسجد و مدرسه‌ی شیخ‌الاسلام و صالحیه‌ی قزوین. این گروه از مساجد از لحاظ ساختار به دو گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

مسجد - مدرسه‌هایی که در ساختار کلی آن بر مدرسه تأکید شده است. در این گروه، مساجد به عنوان سازه‌ای مکمل مورد توجه قرار گرفته است (مسجد و مدرسه‌ی سردار). راه ارتباطی این نوع مساجد فقط از صحن مدرسه امکان‌پذیر است. این نوع مساجد صرفاً جهت استفاده طلاب محصل در مدرسه احداث شده‌اند و جنبه‌ی اختصاصی دارند. البته ذکر این مطلب ضروری است که، این نوع مساجد با نمازخانه‌های کاروانسراها و مدارس دوره‌های پیش کاملاً متفاوت هستند. در دوره‌های پیش محوطه‌ی مسقفی را در کاروانسرا یا مدرسه در نظر گرفته و با تعبیه‌ی محرابی در آن، محل مناسبی جهت ادای نماز افرادی که با این نوع مکان‌ها در ارتباط بودند، مهیا می‌شد. بافت معماری این قسمت با بخش‌های دیگر بنا همگون و یکی بود،^{۱۸} اما در دوره‌ی قاجار مسجد در داخل مدرسه با ساختاری مشخص اجرا شده و با بافت مدرسه در عین آنکه یک ترکیب کلی را ارائه نموده دارای ویژگی‌های ساختاری یک مسجد می‌باشد.

مسجد - مدرسه‌هایی که علاوه بر صحن مدرسه به طور جداگانه با معابر عمومی ارتباط دارند (مسجد و مدرسه‌ی صالحیه). ساختار این نوع مساجد، با مساجد نوع اول هیچ‌گونه تفاوتی را به جز در موارد جزئی مانند میزان تزیینات، تعداد ورودی‌ها و موقعیت مکانی آنها ارائه نمی‌کند. مهم‌ترین ویژگی این نوع مساجد که آن‌ها را از نوع اول متمایز می‌کند، کارکرد آنهاست که در چگونگی راه‌های ارتباطی این نوع مساجد قابل بررسی می‌باشد. بدین صورت که وجود راه ارتباطی بین این نوع مساجد با معابر عمومی، بیانگر آن است که آن‌ها علاوه بر استفاده‌ی طلاب، مورد استفاده‌ی عموم نیز قرار می‌گرفته‌اند. همچنین بیانگر این مطلب می‌باشد که در اینجا مسجد دیگر به عنوان سازه‌ای مکمل نبوده و در عین آنکه با مدرسه ترکیب شده، اما به صورت سازه‌ای مشخص دارای هویتی مجزا از مدرسه می‌باشد.

مساجد غیر سلطانی منفرد

هنر متعالی عصر صفوی در اواخر همان دوره دچار تزلزل گشته بود و با از هم پاشیدن این سلسله حکومت‌های ضعیف بعدی که مدام در حال جنگ بودند، توان احیاء دوباره‌ی آن را نداشتند و یا چنین چیزی را در اندیشه نمی‌پروردند. بدین سبب از عصر شکوفایی هنر صفوی (عصر شاه‌عباس کبیر) تا دوره‌ی قاجار چندین دهه فاصله ایجاد شد و در این خلاء زمانی به دلیل آنکه هنر به صورت سیستماتیک و مدرسه‌ای تدریس نمی‌شد و نسل اندر نسل به صورت تجربی منتقل می‌گردید، زمینه‌ای جهت فعالیت استادان وجود نداشت تا تجربه‌هایشان را به صورت عملی به نسل‌های پس از خویش منتقل نمایند. بدین‌سان شاگردان نمی‌توانستند تجربه‌ی استادان را کسب نمایند و اینان که استادان آینده گشتند بهره‌ای از هنر نیاکان خویش لااقل به اندازه‌ی آنان نداشتند. پرواضح است چنین استادانی نتوانند اثری در حد و اندازه‌ی نیاکان چیره‌دست خویش که با مهیا بودن زمینه‌ی کسب مهارت تجربه‌های زیادی از استادان خویش آموخته بودند پدید آورند. به عنوان نمونه، محمدرضا امامی، یکی از کتیبه‌نگاران عصر صفوی، در مدت ۴۹ سال کار هنری بیش از ۶۰ کتیبه نگاشته است،^{۳۱} در حالی که اگر تمامی کتیبه‌های نگاشته شده مساجد مهم قاجار را در نظر بگیریم، شاید کل آن این مقدار نشود. در این دوره به علت کشمکش‌ها و درگیری‌های داخلی و خارجی تمامی سرمایه‌ی کشور و هم و غم حاکمان صرف مسایل مذکور گردید. حدود بیش از شصت درصد تمامی بناهای احداثی دوره‌ی قاجار و کارهای مرمتی ابنیه‌ی پیشین، در دوره‌ی فتحعلیشاه انجام گرفت. به عنوان مثال بزرگترین مساجد جامع قاجار مانند نبی قزوین، امام سمنان، امام تهران، امام بروجرد و امام زنجان در زمان این پادشاه احداث گردیده است. اگر سایر ابنیه‌ی مذهبی و غیرمذهبی را بدان اضافه نماییم حجم کاری که در دوران محدود سلطنت این پادشاه به انجام رسیده ملموس‌تر خواهد شد. بدیهی است در هر کجا کمیت افزایش یابد کیفیت کاهش می‌یابد. با توجه به بحران‌های بسیار عظیم دوره‌ی سلطنت این پادشاه و حجم کاری که انجام شده طبیعی است که ما شاهد کاهش کیفیت در آثار هنری این دوره باشیم. تزیینات مساجد این دوره در حد رفع تکلیف بوده و ایجاد یک کار هنری مدنظر نبوده است. جایگزینی کاشی هفت رنگ به جای کاشی معرق، می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد. زیرا اجرای پوشش تزیینی کاشی معرق، به مهارت، هزینه و وقت بسیار بیشتری نسبت به کاشی هفت رنگ نیازمند است. علت حجم بالای ساخت و ساز در زمان فتحعلیشاه به درستی مشخص نیست، ولی آنچه که مسلم است، دستور کار این دوره ایجاد ابنیه‌ی مذهبی در حجم بالا بوده است. البته می‌توان علت اصلی این ساخت و سازها را که بیشتر بر اماکن مذهبی و عام‌المنفعه متمرکز شده، تبلیغ برای سازنده‌ی بنا، جهت تحکیم جایگاه وی در میان افکار عمومی دانست، تا به راحتی بتواند بر مشکلات فراوان عصر خویش فایق آید. در دوره‌ی قاجار به علت گسترش روابط بین ایران و کشورهای اروپایی، مبادلات فرهنگی فیما بین با شتاب رو به افزایش نهاد. سفر پادشاهان قاجار به فرنگ جهت سیاحت، باعث علاقه‌مند شدن ایشان نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم آنها شد. متعاقب آن اعزام دانشجویان ایرانی به فرنگ باعث افزایش مبادلات فرهنگی گشت. بدون شک این مبادلات تأثیرات فرهنگی غیرقابل انکاری را در پی داشته است، اما در آن حد نبوده که معماری ایران را از مسیر اصلی خویش منحرف سازد.

فرجام سخن آنکه، معماری قاجار با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی که در آن پرورش یافته و همچنین کاستی‌های ظاهری که داراست، باز هم حاصل سرپنجه‌ی هنرمندان گرانقدر ایرانی است و به عنوان حلقه‌ای از زنجیره‌ی تاریخ پربار هنر این سرزمین قابل تأمل و بررسی است و باید به طور جدی مورد شناسایی قرار گرفته و معرفی گردد.

پاورقی‌ها:

- ۱- هیلن براند، رابرت. معماری اسلامی، ص ۸۱.
- ۲- همان.
- ۳- همان.
- ۴- سلطان‌زاده، حسین. فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، ص ۳۴.
- ۵- هیلن براند. پیشین، ص ۱۰۰.
- ۶- سلطان‌زاده. پیشین، ص ۳۴.
- ۷- در اصفهان هم مسجد امام (شاه) وجود دارد و هم مسجد جامع، در قزوین نیز هم مسجدالنبی (شاه) وجود دارد و هم مسجد جامع عتیق.
- ۸- ساخت مسجد امام اصفهان و مجموعه میدان نقش جهان و گستردن شهر در پیرامون آن، مسجدجامع را در حاشیه قرار داد و از اهمیت آن کاست.
- ۹- سلطان‌زاده، حسین. تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، ص ۹۲.
- ۱۰- سلطان‌زاده، حسین. فضای ورودی در معماری سنتی ایران، ص ۱۱۳.
- ۱۱- مناره‌های این مسجد در دوره ناصرالدین شاه احداث شده است.
- ۱۲- شخصی به نام ابوهاشم جعفری به نقل از امام عسگری (ع) می‌فرماید زمانی که قایم آل محمد قیام کند فرمان می‌دهد تا مناره‌ها و مقصوره‌ها ویران شود، زیرا ساختن مناره و مقصوره در مسجد بدعت است و هیچ پیامبر و امامی آن را در مسجد بنا نکرده است. نوبهار، رحیم، «معماری مسجد از دیدگاه متون دینی»، معماری مساجد، جلد دوم، ص ۲۵۳.
- ۱۳- صحن مسجد دارای ۹۸/۲۰ متر طول و ۷۷/۹۰ متر عرض می‌باشد.
- ۱۴- دروازه‌های رشت، راه کوشک، تبریز، تهران، شیخ‌آباد، شهزاده حسین و فندق‌بار.
- ۱۵- مسجد امام (شاه) اصفهان در مجاورت میدان نقش جهان و بازار آن قرار دارد.
- ۱۶- این اماکن را به عنوان نمازخانه می‌توان بررسی نمود.
- ۱۷- بخش زنانه.
- ۱۸- در لچکی محراب ایوان‌های شرقی و غربی این مسجد طرح‌های اسلیمی گچبری شده که جدیداً اجرا شده است و هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد آیا این بخش‌ها در شکل اولیه خویش نیز به این صورت بوده است یا خیر.
- ۱۹- آثار کاشی‌کاری دوره قاجاریه انگشت‌شمار است که آن هم مولود ذوق هنرمندان است. با این وجود کاشی‌کاری‌های این دوره بطور کلی کمال دوره‌های قبل را ندارد و از ظرافت خاصی برخوردار نیست. در این دوره تعمیراتی در بناهای کهن صورت گرفت، اما چون کاشی‌کاران از علم پیشین کاشی‌کاری بی‌بهره بودند و نمی‌توانستند آثاری نظیر سابق بسازند، قسمت‌های محتاج مرمت را خراب، و به جای آن کاشی‌هایی به روش خود تولید و نصب کردند. ماهرالنقش، پیشین، ص ۱۶.
- ۲۰- در بالای پیش طاق معدودی از بناهای بزرگ از جمله مسجد جامع کرمان، مسجد مشیرالسلطنه، مسجد و مدرسه شهید مطهری (سپهسالار) و مسجد امام تهران ساعت وجود دارد. استفاده ساعت گویا از دوره صفوی شروع و در دوره قاجار و اوایل پهلوی رواج یافت. در گذشته نیز در بالای ورودی معدودی از بناهای مهم، برای مشخص شدن گذران زمان نوعی ساعت قرار می‌دادند. سلطان‌زاده، حسین. فضای ورودی در معماری سنتی ایران، صص ۱۰۰-۱۰۲.
- ۲۱- نوروززاده چگینی، ناصر. «محمدرضا امامی کاتب کتیبه‌های بناهای صفوی»، مجموعه مقالات کنگره‌ی معماری و شهرسازی ارگ به، ج دوم، ص ۷۰.